

ضعف و قوت انگیزه در پژوهش

مسعود آذربایجانی

برای ورود به بحث انگیزه های پژوهشی، باید برخی مسائل را مفروض گرفته، از مقدمات و مراحل مورد نیاز و اهداف پژوهش درگذریم و به بحث خاص انگیزه های تحقیق بپردازیم. سخن در عناصر روان شناختی فرآیند تحقیق، به ویژه در جنبه های انگیزش تحقیق است. برای شروع بهتر است این پرسش مطرح شود که چرا یک فرد، انگیزه و شوق لازم را برای آغاز کار و تحقیق ندارد؟

در روان شناسی، فرد دارای انگیزه با فرد بی انگیزه تفاوت های مهمی دارد. برخی از ویژگی های فرد با انگیزه عبارت اند از:

الف. کنجکاوی در مسئله: یعنی محقق در زمینه موضوع تحقیق، پرسشها و نایافته های بسیاری دارد که حس کنجکاوی وی را تحریک می کند و علاقه مند است ابعاد آن را جویا شود؛

ب. ذوق و شوق در کار: فرد با انگیزه، با شوق و ذوق مسئله را پیش می برد و احساس سستی و بی حالی نمی کند؛

ج. احساس عدم خستگی: محقق شاید از نظر جسمی خسته شود؛ ولی احساس خستگی نمی کند، بلکه بیشتر علاقه مند به کار و پیشرفت آن است.

بررسی عوامل ایجاد انگیزه، با عوامل بی میلی و بی انگیزگی ملازم یکدیگرند. شناخت آنچه که موجب ضعف انگیزه می شود می تواند راه شناخت عوامل تقویت انگیزه را هموار کند، زیرا برای ایجاد انگیزه باید موانع را شناخت و برطرف کرد، آنگاه هم زمینه برای به وجود آمدن انگیزه فراهم می شود و هم انگیزه به وجود آمده می تواند انسان را به حرکت وا دارد. از این رو در اینجا به پاره ای از عوامل بی میلی نسبت به تحقیق اشاره می کنیم.

عوامل بی میلی به تحقیق

در باب عواملی که بی میلی به تحقیق را دامن می زنند نکاتی چند را باید در نظر داشت:

۱. عدم درک اهمیت موضوع تحقیق؛ اگر اهمیت موضوع پژوهش برای محقق آشکار نباشد و او به درستی علت انجام کار را نداند، انگیزه لازم برای تحقیق به حد کافی نخواهد بود. این همان چیزی است که در ادبیات حوزوی «علت غایی» نامیده می شود. در فلسفه می گوئیم علت غایی در وجود مؤر، ولی در ذهن و معرفت مقدم است؛ بدین معنا که هدف تحقیق در ذهن مقدم است؛ تا محقق نداند چرا این تحقیق را انجام می دهد و چه اهمیتی دارد، انگیزه تلاش و کوشش در او ایجاد نمی شود.

باید توجه داشت اینکه گفته می شود ثمره تحقیق علت غایی آن است، ناظر به عقیده کارکردگرایان نیست. آنان معتقدند باید به هر چیزی به اندازه ای که مفید است، پرداخت. در نتیجه، انگیزه علم محوری از میان می رود و نتیجه محوری جایگزین آن می گردد. البته در این بحث اهمیت موضوع، غیر از ثمرات آن است.

اهمیت موضوع گاهی در خود آن موضوع است و گاه در نتایج آن. مثلاً اهمیت یک تحقیق بنیادی در خود اصل موضوع است زیرا این نوع تحقیق دروازه های علم را گشایش بیشتری داده، بدان توسعه می بخشد. این همان علم بنیادی یا تحقیق بنیادی است. اما اهمیت تحقیق کاربردی، در نتایج و ثمره های آن است. تحقیق باید نافع باشد چنان که علم نیز بنابر روایات معصومین علیهم السلام باید نافع باشد. یکی از جهاتی که می تواند علوم را از یکدیگر جدا کند، ثمربخش بودن یا نبودن آن است. آگاهی از نتایج و ثمره های کار تحقیقی می تواند در فرد انگیزش ایجاد کند. البته این نتایج و ثمرات باید برای محقق، ملموس، قابل پیش بینی و در دسترس باشد. این امر بسیار مهم است. اگر نتایج، در دسترس نباشد. یا پس از چندین سال تحقق پیدا کند، ممکن است انگیزه کافی را از پژوهشگر بگیرد.

۲. ترسیم نکردن روش مناسب برای تحقیق؛ با در نظر گرفتن مبدأ و مقصد (وضعیت موجود و مطلوب)، می یابد مسیر پژوهش را ترسیم کرد. این مسیر باید به طور اجمالی برای محقق روشن باشد، و این خود باعث ایجاد انگیزه تحقیق است و فرد را برای تلاش در این زمینه تشویق می کند. برای مثال فرض کنید محقق نداند از چه راهی باید برود. گاه از این روش، و گاه از آن روش استفاده می کند و سرانجام بازمانده، طرح را رها می کند یا با سرعت کمتری پیش می رود. از همین روست که ارائه طرح تحقیق اهمیت پیدا می کند. زیرا مسیر تحقیق را دست کم برای خود محقق روشن می سازد.

۳. عدم توجه محقق به توان خویش برای انجام تحقیق؛ ممکن است در مواردی به همه نکات بالا دقت شود، ولی به این نکته توجه نشود که اجرای طرح از نظر راهی که باید در آن حرکت کرد یا به لحاظ نتایج، بالاتر از توان و تحمل محقق است. از این رو ملاحظه توانایی محقق از فرسودگی وی جلوگیری کرده، میزان کارآمدی تحقیق را بالا می برد.

۴. عدم توجه به تأمین نیازهای محقق؛ همان طور که می دانید «هرم مازلو» با تعریف در بخش نیازهای اولیه و متعالی، انگیزه را بررسی می کند. بخش اول، نیازهای اولیه (یا نیازهای کمبود) نامیده می شود؛ مثل نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیاز به تعلق و نیاز به احترام. کمبود این چهار دسته نیاز باعث ایجاد انگیزه می گردد. انسانی که فکر کند نیاز او در این چهار دسته تأمین نشده، انگیزه سائقی در او به وجود می آید که وی را به سوی جبران این نیازها سوق می دهد، تا برای مثال وقتی گرسنه است به سمت غذا برود؛ هنگامی که احساس ناامنی می کند در پی رفع ناامنی برآید، و آنگاه که کسی دوستش ندارد یا به او توجهی نمی کند و احساس نیاز به محبت یا احترام دارد، برای ایجاد دوستی یا کسب احترام اقدام کند. هنگام کمبود، نیاز به وجود می آید، و این امر موجب ایجاد انگیزه سائق می شود تا این نیاز را برطرف سازد. در

بحث ما محقق این نیازها را با پژوهش بر طرف می کند. در مرحله اول که با نام نیازهای کمبود از آن تعبیر شد مانند نیازهای جسمی و فیزیولوژیک، با ایجاد تنشی، فرد در پی رفع نیاز بر می آید؛ ولی همه نیازهای بشری این گونه نیست که منشأ آن، کمبودهای چهارگانه باشد. مازلو از برخی نیازها با عنوان «نیازهای متعالی» یاد می کند. نیازهای متعالی خود به خود در انسان وجود دارند. طبق نظر مازلو این نیازها در سه دسته زیر محدود می شود. اما شاید موارد دیگری را نیز به این سه نیاز، بتوان افزود:

۱. نیاز به دانستن؛

۲. نیاز زیبایی شناختی؛

۳. نیاز به خودشکوفایی یا تحقق نفس.

در نیازهای متعالی انسان احساس کمبود نمی کند تا به طرف رفع آن برود، بلکه همین کنجکاوی خود به خود موجب حرکت انسان به سمت تحقیق است. در این موارد، انسان برای افزایش تنش نه کاهش آن، خودش را به سختی می اندازد تا بتواند به آن نیازها، دانستنیها و زیباشناسی ها برسد، یا به کمال و خودشکوفایی مورد نظر دست یابد. اما در نیازهای اولیه، درد و تنش احساس می کند و به سمت درمان درد می رود تا آن را از بین ببرد. مثلاً انسانی را در نظر بگیرید که خود را به سختی می اندازد و شبها را بیدار می ماند تا علمی را بیاموزد، یا بتواند تابلوی زیبایی را نقاشی کند یا به کمالاتی برسد یا سبب شکوفایی های خویش شود، کمبودی در خود احساس نمی کند که او را وادار به فعالیت کرده باشد.

نکته ای که نباید فراموش کرد این است که طبق نظریه مازلو، اکثر انسانها تا نیازهای جسمی، تعلق، احترام و امنیتشان، تأمین نشود به دنبال تأمین نیازهای متعالی خود نخواهند بود. البته این مطلب درباره افراد متوسط جامعه قابل قبول است ولی افراد پرشماری نیز هستند که در نیازهای اولیه کمبود دارند، با وجود این به سمت علم هم می روند.

اگر ما در این راه، نظریه مازلو را بپذیریم باید حد نصابی از نیازهای اولیه را تأمین کرد. البته نظریه های دیگری مثل نظریه آدلر نیز وجود دارد که می گوید خود این احساس کهنتری یا احساس حقارت یا کمبود، می تواند عامل خودشکوفایی فرد شود و انسان با یافتن آن در خویش، به این سمت هدایت می گردد. جمع بندی دیگری هم داریم که بعداً به آن اشاره می کنیم.

عوامل سستی در تحقیق

عوامل سستی با عوامل تنبلی متفاوت است. عوامل سستی در تحقیق عمدتاً به نوع کار باز می گردد اما عوامل تنبلی به خود شخص مربوط می شود.

از جمله عواملی که محقق را در ادامه کار سست می کند می توان به ابهام در موضوع یا روش تحقیق، سختی کار و دشوار بودن موضوع، یا مشکلات ضمنی ای که در مسیر تحقیق به وجود می آید، اشاره کرد. مشکلات ضمنی بن بستهایی هستند که محقق در میانه راه با آن مواجه می شود، مثلاً ابتدا موضوع پژوهش مشخص است ولی پس از مدتی، در اثر بروز ابهاماتی در موضوع تحقیق با مشکل مواجه می شود و محقق نمی تواند مشکل را حل کند. در چنین موقعیتی محقق برای رفع مشکل خود به تأمل و مراجعه به کتابها و منابع جدید نیاز دارد. گره این مشکل، تا حد زیادی، به دست استاد راهنما، مشاور و ناظر باز می شود؛ مشاوره که فرد را هم از لحاظ علمی و هم در زمینه روش تحقیق راهنمایی کند، و از جهات انگیزشی نیز باعث تقویت وی گردد، و با تشویق و ترغیب و توجه دادن به بزنگاه های کار دست او را بگیرد.

عنوان تبدیلی بیشتر به ویژگی های شخصیتی فرد باز می گردد. اگر این ویژگی های شخصیتی - که در علم اخلاق به آن ملکه گویند - در فردی راسخ شده باشد یا حداقل به صورت عادت در آمده باشد، باید پذیرفت که این فرد جدیت، بردباری و تلاش و خصوصیات دیگری را که حداقل نیازهای هر پژوهشی است، در کار خود نخواهد داشت. اما اگر این ویژگی ها جنبه موقت داشته باشند، به خصوص به کمک استاد راهنما یا مشاور، یا از راهی که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد، قابل رفع خواهند بود.

عوامل احساس سرگردانی و بلاتکلیفی در تحقیق

باید پذیرفت که هر مسیری راهنما و راه بلد می خواهد: افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع ام من لا یهدی الا ان یهدی.

هر کسی بی خضر اندر راه شد

گمره غولان شد و در چاه شد

درباره این مسئله هم باید بپذیریم که تحقیق، با ظرافت های خاص خود، احتیاج به استاد راهنما و راه بلد دارد. این راه بلد لااقل باید دو خصوصیت داشته باشد:

۱. در زمینه موضوع خاص کارشناس و متخصص باشد البته لازم نیست مسئله خاص آن تحقیق را حل کرده باشد بلکه باید با پیچ و خم موضوع و مسائل مختلف آن آشنایی و سر و کار داشته باشد؛

۲. در اجرای تحقیق، تجربه کافی داشته باشد و با مشکلات آن آشنا باشد تا بتواند در مواردی انگیزه دانشجوی را تقویت کند. مثلاً برای دلگرم کردن او بگوید که ما نیز با چنین مشکلاتی مواجه بوده ایم و ضمناً راه های حل مشکلات را نیز به او نشان دهد. بنابراین مسلّم است که کاری بدون استاد راهنما پیش نخواهد رفت و بدون برنامه موفق نخواهد بود؛ حتی اگر دانشجویی می باید تحقیقی را در دو واحد انجام دهد، به استاد راهنما نیاز دارد، و استاد باید ضمن معرفی منابع او را کمک

کند، وگرنه این امر موجب اتلاف وقت خواهد بود. استاد راهنما می تواند تا حدی مسیر را روشن نماید و مراحل را بیان کند و با کمک کردن در گردنه های خاص، محقق را از سرگردانی و بلا تکلیفی نجات دهد.

عوامل احساس ناامیدی و بی ثمری

۱. یکی از مهم ترین عوامل ناامیدی در محققان به خصوص افراد تازه کار، شروع نکردن از موضوعات ساده است. هر تحقیقی علاوه بر شایستگی های علمی فرد نیازمند مهارت در خود تحقیق نیز هست. تحقیق نیز همچون هر کار دیگری مهارتهایی می طلبد، و این مهارتها به تدریج به دست می آید. بنابراین اگر تحقیقات، با موضوعات ساده - که موفقیت در آنها آسان تر است - آغاز شوند، به لحاظ روانشناختی موجب احساس کامیابی در محقق، و ایجاد اعتماد به نفس در او خواهد گشت، و به این ترتیب او را برای انجام کارهای مشکل تر آماده خواهد ساخت. از همین رو، مراکز تعلیم و تربیت و مراکز آموزشی باید به این نکته مهم توجه بسیار داشته باشند. پژوهشگری که برای اولین بار طرح تحقیقی را ارائه می دهد، در صورتی که موضوع مشکلی را انتخاب کرد، پس از مدتی ممکن است ناامید، سرخورده و درمانده شود؛ چرا که می بایست امر تحقیق را، به صورت مرحله بندی شده از موضوعات ساده آغاز کرد. برای مثال ابتدا با خلاصه کردن یک کتاب، و سپس تألیف کتاب با نگاه به چند منبع یا دستیاری تحقیق و فیش برداری و... کار خود را شروع کند. با این شیوه است که محقق، رفته رفته با مراحل سخت تر آشنا شده در امر پژوهش ورزیده می گردد. به علاوه، این شیوه در تقویت انگیزه نیز بسیار مؤثر است مراحل تقویت محقق، خود، باب گسترده ای است که دست کم می توان آن را به شش تا هفت مرحله تقسیم کرد.

گذراندن این مراحل موجب آمادگی برای پرداختن به موضوعات مشکل تر است و اعتماد به نفس را در پژوهشگر تقویت خواهد کرد، که این امر در مباحث انگیزشی اهمیت بسزائی دارد.

نکته دوم، زمان مند بودن تحقیق است که نمی توان از آن چشم پوشید. تحقیق، امری زمان بر و زمان مند است، و محقق همچون کوهنوردی است که در نیمه این راه طاققت فرسا ممکن است مأیوس شود. کوهنورد با مشاهده دور دستی قلّه و درازی راه و خطرات و مشکلات آن ممکن است از فتح قلّه نا امید شود و از ادامه راه باز بماند. تحقیق راهی است صعب العبور و دارای سربالایی؛ هر چند ممکن است فرودهایی نیز داشته باشد، اما علی القائده رو به سوی فراز و صعود دارد. برای رفع این مشکلات باید از موضوعات قابل دسترس تر استفاده کرد. این نکته غیر از بحث اول است. شاید موضوعی ساده باشد اما چون تحقیق درباره آن زمان بر است و ممکن است سالها طول بکشد، همین امر می تواند موجب رکود، خستگی و ناامیدی در کار شود. از این رو، راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱. موضوعاتی را انتخاب کنیم که تحقیق درباره آنها زمان کوتاه تری می طلبد.

۲. مرحله بندی موضوع: اگر موضوعی، برای مثال، به ۵ سال وقت نیاز دارد، آنرا به ۵ واحد یکساله یا ده تا ۶ ماهه تقسیم بندی کنیم. انجام این کار با کمک استاد مشاور سبب می شود که نمای تحقیق را هم به دست آوریم. علاوه بر آن، در خود احساس خودبستگی و اعتماد به نفس کنیم و پس از رسیدن به پایان هر مرحله به نظر می رسد که تحقیقی مجزا انجام شده است؛ همان طور که یک کوهنورد برای فتح قلّه ای بلند، چند ایستگاه پیش روی خود دارد، وقتی به ایستگاه اول رسید، احساس نشاط می کند و می داند که حداقل یک مرحله را با موفقیت گذرانده است. رسیدن به این مرحله، هم انگیزه ای برای ادامه راه خواهد بود و هم استراحت در ایستگاه و تجدید قوا. چه بسا پژوهشگر می تواند حاصل تحقیق در مرحله اول را در قالب یک مقاله ارائه دهد و خود را برای مرحله بعد نیز آماده کند. رعایت این نکات فرد را از احساس ناامیدی و بی ثمری نجات خواهد داد.

عوامل نشاط و تحرک در تحقیق

افزون بر آنچه گذشت عوامل دیگری نیز در ایجاد شور و نشاط در امر پژوهش مؤثرند:

الف. تشویق و ترغیب؛ از جمله عوامل بسیار مؤثری است که در فرد نشاط و تحرک و انگیزه ایجاد می کند. شایسته است تحقیق در هر مرحله به نظر استاد برسد و مورد اصلاح یا تأیید او قرار گیرد، و این تأییدها و تشویق ها، خود در ایجاد شور و انگیزه برای ادامه کار بسیار مؤثر است. باید توجه داشت که تأثیر تشویق و ترغیب، اختصاص به کودکان و نوجوانان ندارد، بلکه در بزرگسالی نیز بسیار نقش آفرین است.

ب. جمعی بودن کارها؛ یکی دیگر از راه های تقویت انگیزه در امر تحقیق، کار گروهی است؛ چرا که در کارهای اول، ممکن است فرد به زودی از ادامه راه منصرف شود. ولی در کار گروهی انگیزه هر فرد بر دیگر افراد گروه تأثیر مثبت گذاشته، خود سبب ایجاد پتانسیل قوی در هر یک از اعضا خواهد شد.

ج. مطالعات پیرامونی؛ یکی از عوامل محرک و تقویت کننده انگیزه، مطالعات پیرامونی در زمینه موضوع است. یعنی مطالعاتی که ممکن است در خود تحقیق اثر نگذارد ولی پیرامون و پاره ای از ابعاد موضوع را برای فرد روشن می سازد، و او را به موضوع تحقیق علاقه مند می کند، و هر چه علاقه و تعلق فرد به موضوع بیشتر شود انگیزه او برای ادامه کار و استمرار تحقیق افزون تر می گردد.

نکته ای را که در این جا باید به یاد آورد، این است که در امر تحقیق نباید از تنوع غفلت کرد. در کنار هر تمرکزی، تنوع نیز لازم است. فردی که صرفاً به یک موضوع می پردازد و همه کارهایش را بر آن متمرکز می کند، ممکن است دچار خستگی و دلزدگی شود و از نظر ذهنی و روانی تمایل به ادامه کار را از دست بدهد. از این رو، باید موضوعات جنبی و

متنوعی را در نظر بگیرد تا در مواقع فراغت یا خستگی به آنها بپردازد؛ به خصوص موضوعاتی ساده و دلپذیر همچون شعر و داستان، که خود موجب شور و نشاط روحی اند.

د. مسأله محوری تحقیق؛ نکته دیگری که می تواند شوق و انگیزه ایجاد کند مسأله محور بودن تحقیق است. بهتر است از ابتدا تحقیق خود را با طرح یک مسأله اصلی آغاز کنیم. فرض کنید می خواهیم تحقیق کنیم که عوامل گرایش به دین یا دین گرایی جوانان چیست؟ در صورتی که هدف اصلی تحقیق، پاسخ به یک سوؤل باشد، آن را مسأله محور گوئیم. البته می توان هسته اصلی سوؤل را به ده سوؤل فرعی تبدیل کرد و کوشید در ضمن تحقیق، در هر مرحله به یک سوؤل پاسخ داد. البته به شرطی که سوؤلات رابطه طولی با هم داشته باشند. مسأله محور بودن و پاسخ دادن به سوؤلات که اصطلاحاً سائق شناختی نامیده می شود، عوامل مهم ایجاد شور و تحرک در تحقیق است، و اساساً صرف پاسخ دادن به سوؤل در انسان انگیزه ایجاد می کند. همیشه لازم نیست تشویق و ترغیب بیرونی در کار باشد؛ بلکه همین که فرد مسأله را حل کند و به جواب برسد، بر سر شوق می آید و احساس می کند باید تحقیق را ادامه دهد.

و. انگیزه معنوی؛ مهم تر از تمام مواردی که پیش تر مطرح شد، انگیزه های الهی و معنوی اند. این انگیزه ها می توانند موثرترین عامل ایجاد شوق و ذوق و نشاط و رغبت برای کار باشند. در تاریخ اندیشه اسلامی محققان و اندیشمندانی هستند که به جد می توان گفت کار یک مجموعه دائره المعارف نویسی را به تنهایی انجام داده اند. برای مثال، نوشتن کتاب جواهر الکلام که یک دوره فقه استدلالی است و تألیف آن به سادگی از عهده یک فرد بر نمی آید، در حدود ۲۰ سال تمام وقت مرحوم صاحب جواهر را به خود اختصاص داد، و مشهور است ایشان حتی به حج نرفتند و این تحقیق را ادامه دادند، یا کتاب اعیان الشیعه نوشته مرحوم سید محسن امین، اثر سترگی است که یک دوره از زندگینامه و آثار بزرگان شیعه را در خود گرد آورده است. این اثر، حقیقتاً یک دائره المعارف است که امروزه گرد آوری نظایر آن را یک مؤسسه باید سرپرستی کند. همچنین کتاب عبقری الحسان مرحوم حامد حسین نمونه دیگری از این جمله است. اما رمز این موفقیتها در چیست؟ انگیزه الهی می تواند کار را معنا دار کند. اینکه فرد، کاری را از روی تکلیف الهی و معنوی انجام دهد، خود موجب ذوق و شوق می گردد، و از این امر در روان شناسی به «معنا داری» تعبیر می شود. در چنین وضعی فرد هیچ گاه احساس پوچی و خستگی نمی کند. در این باره می توان به کتاب ویکتور فرانکل با عنوان «در جستجوی معنا» مراجعه کرد. نکته دوم نیز اینکه، انگیزه های الهی و معنوی، واقعاً به انسان نیرو می بخشند. اگر انسان خود را با خداوند در ارتباط ببیند، این ارتباط در او انرژی ایجاد می کند، و این انرژی به صورت شور و شوق و نشاط در او ظاهر می گردد. انسان های بسیاری را می شناسیم که با انگیزه الهی کار می کنند و شب و روز برایشان معنا ندارد. مثلاً مرحوم علامه طباطبائی در تابستانها از شب تا به صبح مشغول مطالعه و تحقیق و کار بودند. باید توجه داشت که در این راه توسل و توکل نقش بسزایی در موفقیت فرد

ایفا می‌کند. وقتی انسان به مشکلی بر می‌خورد و در میانه کار معضلی باعث وقفه در کارش می‌شود با دعا و توسل می‌تواند از عنایات خداوند و اولیای او مدد گرفته، خود را تقویت کند.

عوامل فرار از تفکر و تعمق

الف. ساده‌نگری و سهل‌انگاشتن؛ یکی از عواملی که باعث می‌شود افراد خود را مقید به تعمق و تفکر در موضوعات تحقیقی نکنند، ساده‌انگاشتن موضوعات و مباحث است. اگر فرد پیچیدگی جهان را دریافته باشد نمی‌تواند به سادگی از کنار مسائل بگذرد. برای احتراز از این وضع یکی از کارهایی که باید ضمن آموزش مقدمات تحقیق به پژوهشگر القا گردد پیچیدگی و تو بر تو بودن جهان است. اگر پژوهشگر این نکته را دریابد که اقیانوس جهان، اعماق پیچیده‌ای دارد، و صید حقیقت، به سادگی یک تور انداختن نیست، هرگز گرفتار ساده‌نگری و سهل‌انگاری نخواهد شد. مثلاً اگر محقق بداند که حقیقت نور در فیزیک، به رغم همه تحقیقات و پیشرفت‌های علم، همچنان مبهم است و بداند که در باب ماهیت نور، نظریات متعدد و متفاوت و متعارضی وجود دارد، درباره موضوعات پیچیده‌ای همچون «روح» - که علم ما درباره آن قلیل است - به سادگی اظهار نظر نمی‌کند و زمینه تعمق و تفکر در او رشد می‌کند.

ب. عدم توجه به پیشینه کار؛ برخی محققان، تحقیق را از آنچه که می‌دانند آغاز می‌کنند و بنای تحقیقشان را بر بنیاد همان دانسته‌های خود می‌نهند، و کار را ادامه می‌دهند. این امر باعث عدم تفکر و تعمق در کار می‌شود. پژوهشگر باید، ابتدا، تمام یا عمده کارهایی را که در زمینه موضوع تحقیقش انجام شده، و نیز نقدهایی که صورت گرفته، ببیند و پس از مطالعه پیشینه آن مسأله وارد تحقیق شود. وقتی فرد با انبوهی از کارهای قبلی مواجه شود و دیدگاه‌های مختلف را مطالعه کند مسلماً با دقت بیشتری وارد بحث می‌شود و این امر، خود، موجب تفکر و تعمق بیشتر می‌شود و پژوهشگر به فکر فرو می‌رود که آیا این حرف درست است یا آن، این رویکرد درست است یا آن رویکرد، و آیا این نقد صحیح است یا سخن نویسنده و مصنف. پس عدم توجه به پیشینه موضوع، موجب ضعف در تفکر و تعمق خواهد شد. مثلاً در بحث معرفت‌شناسی، فیلسوفی در زمینه تعریف معرفت به «باور صادق موجه»، یک مقاله دو صفحه‌ای نوشته است. درباره همین مقاله در اینترنت حدود یک میلیون نقد وجود دارد. بدیهی است کسی که می‌خواهد در موضوع «تعریف معرفت» تحقیقی داشته باشد اگر بدون توجه به این مقالات، کار خود را ارائه دهد، حاصل تلاش او مقاله عمیقی نخواهد بود؛ ولی وقتی ابتدا همه یا بخش‌های مهم کارهای گذشته را ببیند و با دقت و تعمق و تفکر وارد شود مسلماً ساده‌پیش نمی‌رود.

ج. عادت نکردن به تفکر؛ یکی از اموری که ما باید در صحبت کردن، پاسخ دادن به سوالات دیگران، و به طور کلی در زندگی خود بدان عادت کنیم فکر کردن است. حاصل این امر در تحقیق - که تفکر در آن برترین جایگاه را دارد - سرازیر

می شود. عادت به تفکر باید از اصول زندگی باشد. عادت به جواب دادن بی تأمل، و دقت نداشتن در جوانب مسأله، خود می تواند از عوامل فرار از تفکر قلمداد شود.

ه : عدم رعایت مراحل تحقیق؛ مراعات نکردن مراحل تحقیق نیز تا حدودی مانع تفکر می شود. ایضاً مفاهیم و تجزیه و تحلیل آن ها، ملاحظه پیشینه کار، و سپس بررسی دیدگاه های مختلف در مورد مسأله، و بعد جمع آوری داده ها و اطلاعات و... ، و به طور کلی مراحل تحقیق، خود، مقتضی و مستلزم تفکر و تأمل است.

نکته آخر اینکه حق به سادگی به دست نمی آید و ظن و گمان در یافتن حقیقت کافی نیست: «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً». آیا واقعاً می توان با خواندن چند کتاب یا مقداری داده های ابتدایی به یقین و حق رسید؟ تحقیق در موضوع باید به حدی باشد که بتوانیم از روی علم اظهار نظر کنیم، این امر نیازمند تلاش و تأمل بسیار است.

نقش مؤسسات تحقیقاتی در انگیزه پژوهش

بجهایی که تا کنون مطرح شد عمدتاً از دیدگاه فردی بود. یعنی اگر فردی بخواهد محقق شود این ویژگی ها و لوازم را نیاز دارد و با انجام دستورالعمل های پیش گفته موفقیت بیشتری به دست می آورد و می تواند بهتر به تحقیق بپردازد. اما از دید سازمانی نکاتی را مطرح می کنیم. نکته نخست آنکه اگر مؤسسه یا نهادی می خواهد محقق تربیت کند و بعد از طریق این محققان به تحقیق بپردازد، با توجه به نظریه مازلو، نیازهای محققان باید در سطحی معقول تأمین شود. فردی که به تحقیق می پردازد، نباید دغدغه نیازهای اولیه اش را داشته باشد. این نیازها باید با توجه به موقعیت و وظایف فرد تأمین شود؛ مثلاً محقق در حدی، و دستیار تحقیق در سطحی پایین تر باید تأمین شود. در این زمینه حتماً باید حد نصاب سازمانها و موسساتی که در دنیا به تحقیق می پردازند مورد دقت و تأمل قرار گیرد. نکته دوم اینکه علاوه بر تأمین نیازهای اولیه، باید اقداماتی نیز برای تمدید قوا و روحیه محقق انجام دهیم کارهایی نظیر تغذیه، استراحت، ورزش و مسافرت و تفریح. زیرا تحقیق کاری بس دشوار و انرژی بر است و با بسیاری از کارهای دیگر تفاوت دارد. خود موسسات باید تدابیری بیندیشند که بتوانند برای مدت های طولانی از همکاری با محقق بهره مند شوند، و برای مثال، فرصت های فراغتی را نیز به او اختصاص دهند.

نکته سوم درباره آموزش ضمن تحقیق برای مهارت افزایی است. این آموزشها بر دو دسته اند: یک دسته آموزش های عمومی برای تحقیق، مثل روش تحقیق، کارگاه های عملی با عنوان روش تحقیق، استفاده از ابزار تحقیق، مثل رایانه ها، اینترنت، استفاده از منابع اطلاعاتی، آشنایی با بانک های اطلاعاتی و آشنایی با زبان آن متون؛ و دسته دیگر شامل مهارت های اختصاصی است که در زمینه رشته تخصصی فرد است. اگر محقق، دانش رشته علمی خاص را داشته باشد و روش تحقیق عمومی را نیز بداند باز هم برای انجام تحقیق در رشته تخصصی خود، نیازمند آشنایی با روش تحقیق تخصصی

است. برای مثال روش تحقیق در روان شناسی متفاوت با روش تحقیق در جامعه شناسی یا فلسفه است، و این آموزشها را می توان در شکل های مختلفی مثل کلاس، کارگاه و... به محقق ارائه داد.

آخرین نکته نیز شرکت در همایش های تخصصی در داخل و خارج از کشور است. محقق می تواند با ارائه مقاله، یا حتی صرفاً شرکت در همایش ها و در مراحل بعد با ارائه مقاله سبب ایجاد اعتماد به نفس در خود شود، و احساس کند که کارهایش مفید است و در جایی عرضه خواهد شد.

برگرفته از سامانه نشریات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه) – آدرس صفحه:

<http://pajohesh.nashriyat.ir/node/>

کانال پژوهش یار؛ آموزش پژوهش به صورت آسان و کاربردی

<https://eitaa.com/Pajouheshyar>

کانالی برای معاونان پژوهش، اساتید، طلاب و مؤسسات و مراکز

کلیه خدمات، نذر سلامتی و تعجیل در ظهور امام زمان سلام الله علیه شده است.